

زنان، اشتغال و تحصیلات آموزش عالی^۱

مریم براتعلی^۲

دکتر علیرضا یوسفی^۳

دکتر سید ابراهیم میرشاه جعفری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۴

چکیده

پژوهش توصیفی - تحلیلی حاضر در صدد است موضوع اشتغال زنان و تمایل آنان به نقش آفرینی در اجتماع و به دست‌آوری جایگاه شغلی مناسب‌تری را در بستر روی‌آوری آنان به تحصیلات آموزش عالی و کسب مدارج علمی بالاتر، تبیین کند. به این منظور تعداد ۳۰۰ نفر از زنان دانشجو و فارغ‌التحصیل در مقاطع کارشناسی تا دکترا به صورت تصادفی از دانشگاه‌ها و سازمان‌های شهر اصفهان انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که نگاه زنان به نقش تسهیل‌کننده آموزش عالی در اشتغال و نقش ارتقادهنده آن را در بهبود موقعیت شغلی و همچنین وضعیت اشتغال زنان شرکت‌کننده در تحقیق را بر حسب میزان تحصیلات دانشگاهی و رشته تحصیلی مورد پرسش قرار می‌داد. پایداری ابزار

-
۱. برگرفته از طرح پژوهشی سازمان ملی جوانان و همچنین پایان‌نامه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۷ با عنوان "ارتباط میزان تحصیلات آموزش عالی با اشتغال زنان ۱۸ الی ۵۵ ساله شهر اصفهان"
 ۲. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان و عضو باشگاه پژوهشگران جوان baratali_540_1359@yahoo.com
 ۳. دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان arousefy@edc.mui.ac.ir
 ۴. دانشیار دانشگاه اصفهان sebrahimjafari@yahoo.com

پژوهش حدود ۰/۹ محاسبه شد. به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های توصیفی و همچنین آزمون‌های مجذور کای، تی و تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. نتایج نشان داد کسب مدارج بالاتر تحصیلی آموزش عالی با افزایش اشتغال همراه بوده است. آزمودنی‌ها همچنین نقش بالای آموزش عالی را در توسعه اشتغال و ارتقای موقعیت شغلی گزارش کردند.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، اشتغال زنان، تحصیلات دانشگاهی

مقدمه

در عصر حاضر که بشریت با پدیده‌هایی نوظهور و چالش‌هایی همچون انفجار دانش، جهانی‌شدن و تعاملات پیشرفته دنیای جدید دست و پنجه نرم می‌کند، دانش در ظرفیت علمی افراد بیش از هر زمان، حیاتی تلقی می‌شود و جوامع با تغییرات اجتماعی گسترده مانند انقلاب آموزشی زنان و مشارکت گسترده آنها در عرصه‌های مختلف جامعه مواجه‌اند. جامعه ایران نیز، در دو دهه گذشته و به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی تحولات اجتماعی - فرهنگی و آموزشی خطیری را سپری کرده است. یکی از مهم‌ترین این تحولات، گسترش آموزش عالی در سطوح و مقاطع گوناگون است که با مشارکت گسترده زنان نیز همراه بوده است. نگاهی به آمار پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها در سال‌های مختلف نشان‌دهنده افزایش چشمگیر پذیرفته‌شدگان زن در سال‌های اخیر است (سفیری، ۱۳۸۵). از طرف دیگر افزایش تعداد زنان در مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها نیز منجر به تأخیر حضور آنها در بازار کار می‌شود. با این وجود، دلایلی همانند برنامه‌های تنظیم خانواده، سطح بالاتر تحصیلات، افزایش مخارج زندگی و تغییر در نگرش عمومی درباره کار زنان، می‌تواند به افزایش میزان مشارکت زنان در سال‌های آتی منجر شود (علاءالدینی و رضوی، ۱۳۸۵).

با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، نگرش عمومی نسبت به اشتغال و تحصیل دختران، تغییر یافته و این امر باعث شده که نیروی کار زنان، افزایش یابد و مرکز آمار ایران (۱۳۸۳) به پشتوانه تحقیقات انجام‌شده، این طور پیش‌بینی کرده بود که در سال ۱۳۸۵ تعداد نیروی کار زنانی که وارد بازار کار می‌شوند، با مردان برابر و در سال ۱۳۹۰ نیز

عرضه نیروی کار زنان ۱/۵ برابر مردان می‌شود؛ از طرف دیگر مطالعات انجام‌شده در حوزه تحصیلات و اشتغال زنان نشان می‌دهد که هرروزه سطح تحصیلات زنان به دلیل بالا رفتن سهم دختران در میان پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها افزایش زیادی خواهد یافت؛ لذا برنامه‌ریزی برای بازار کار زنان، از اهمیت بیشتری نسبت به گذشته برخوردار است (امینی، ۱۳۸۳). همین‌طور توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آنها به بازار کار می‌تواند زمینه بهره‌گیری بهتر جامعه از این نیروی بالقوه را فراهم آورد. به همین دلیل شناخت مجموعه عواملی که زمینه‌ساز مشارکت هرچه بیشتر این جمعیت توانمند در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور است، از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. مهم‌ترین عامل مؤثر در اشتغال زنان در بازار کار، میزان تحصیلات آنان است. زنان آموزش‌دیده علاقه‌مندند تا از مهارت‌های خود در بازار کار بهره‌گیرند و جذب زنان تحصیل‌کرده به بازار کار نیز مستلزم سرمایه‌گذاری بیشتر است (صادقی و عمادزاده، ۱۳۸۳). امروزه در مراحل از توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع، افزایش مشارکت زنان در نیروی کار تا اندازه‌ای به علت افزایش میزان تحصیلات آنان است. تحصیلات می‌تواند زنان را برای حضور در بازار کار، مهیا سازد. هرچه میزان علم و دانش زنان افزایش یابد، امکان دستیابی آنان به مشاغل بخش صنعتی و خدماتی افزایش می‌یابد و بنابراین رابطه مثبتی میان میزان علم و دانش و نرخ مشارکت زنان در بازار کار وجود دارد (سلطانا و همکاران، ۱۹۹۴).

در برخی از کشورهای در حال توسعه می‌توان شاهد افزایش میزان مشارکت زنان در بخش‌های خدمات و صنعت نیز بود. از جمله عوامل مؤثر بر این روند، در اینجا نیز تحصیلات بالاتر، تغییر در احتیاجات روزمره و صنایع صادراتی و خدماتی است (مقدم^۲، ۲۰۰۲). تحصیلات به عنوان یک عامل اجتماعی مهم، نقش عمده‌ای در میزان مشارکت زنان در نیروی کار دارد. به نظر می‌رسد که با افزایش تحصیلات، میزان مشارکت آنها در نیروی کار، افزایش می‌یابد. اما عامل تحصیلات، همیشه اثر خود را در ارتباط با عوامل دیگر نشان می‌دهد. چگونگی رابطه بین تحصیلات و مشارکت زنان، تا اندازه‌ای به

امکانات اشتغال بستگی دارد. در گذشته، زنان بی‌سواد، مشارکت بیشتری در نیروی کار داشتند، اما در حال حاضر، عکس این حالت، صادق است (محمودیان، ۱۳۸۲). با همه این اوصاف، در ایران به‌رغم دستاوردهای زنان در زمینه‌های تحصیلی و اجتماعی، طی چند سال گذشته، وضعیت آنان در بازار کار، بهبود نیافته و تلاش‌های زنان تحصیل‌کرده در بازار کار هم با توفیق درخوری همراه نبوده است (علاءالدینی و رضوی، ۱۳۸۵).

از آنجا که تحقیقات گذشته و آمار موجود، نشان داده که دستیابی زنان به مدارج بالاتر تحصیلی منجر به مشارکت بیشتر، اشتغال و طیف وسیع‌تری از مشاغل برای آنها نشده و با اینکه سطح تحصیلی بالاتر یک زن - همان‌طور که انتظار می‌رود - منجر به افزایش احتمال مشارکت او می‌شود و دلیلی بر دستیابی وی به شغل نخواهد بود و غیرمحمول است که در خارج از طیف‌های از پیش تعیین‌شده مشاغل برای خود کاری بیابد، بنابراین با وجود افزایش تمایل زنان و دختران به تحصیلات دانشگاهی در سال‌های اخیر و ادامه تحصیل در دوره آموزش عالی، به نظر می‌رسد زنان از وضعیت اشتغال خود راضی نبوده و نسبت به آینده شغلی خود ابهام و نگرانی داشته باشند (آراستی، ۱۳۸۵؛ مرکز آمار ایران و UNFPA، ۲۰۰۱). به‌رغم افزایش کمی دانشجویان دختر در رقابت تنگاتنگ ورود به دانشگاه‌ها، مشکلات فراوانی در چشم‌انداز آینده آموزش عالی زنان و بهره‌گیری از توانمندی‌های آنان دیده می‌شود (ایمانی، ۱۳۸۱)؛ از سوی دیگر هرچه دوره تحصیلی بالاتر رفته، یعنی دوره‌های فوق لیسانس و دکتری تخصصی، زنان درصد کمتری را نسبت به مردان نصیب خود کرده‌اند و از جمله دلایل آن می‌توان به محدود بودن ظرفیت پذیرش در دوره‌های بالاتر و یا ابهام در آینده تحصیل‌کردگان زن در جامعه و سیاست‌های آموزش عالی اشاره کرد که همه اینها و عوامل دیگر حتی موجب خانه‌نشینی تعدادی از زنان پس از طی این دوره‌ها یا رضایت دادن آنها به مشاغل کلیشه‌ای و اداری و معمولی در جامعه خواهد شد که تمام این مسائل موجب کاهش انگیزه آنها به ادامه تحصیلات بالاتر در آموزش عالی خواهد شد (براتعلی و قلی‌زاده، ۱۳۸۶).

در این مقاله به بررسی دیدگاه‌های زنان تحصیل کرده شهر اصفهان در مورد تأثیر میزان تحصیلات دانشگاهی بر اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر بر اساس متغیرهایی مانند رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی و وضعیت اشتغال آنها پرداخته شده است. در ضمن ارتباط میان وضعیت اشتغال زنان مشارکت‌کننده در این تحقیق با میزان تحصیلات و رشته تحصیلی آنها مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور، ابتدا به بررسی چهارچوب نظری و پیشینه ارتباط آموزش عالی و اشتغال زنان پرداخته شده است.

چهارچوب نظری تحقیق

در بررسی رابطه میان آموزش عالی، زنان و اشتغال دیدگاه‌های نظری مختلفی موجود است که مباحث آموزش عالی و زنان و بحث اشتغال زنان و نیز نظریه انسانی که چهارچوب مناسبی برای تحلیل پژوهش حاضر است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آموزش عالی و اشتغال زنان

نظام آموزش عالی در پاسخگویی به نیازهای جامعه، نقش و مسئولیت مهمی بر عهده دارد و به عنوان عامل توسعه اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، انتقال دانش، تربیت افراد برای تصدی مشاغل مختلف در جامعه و شهروند مطلوب بودن و از همه مهم‌تر عامل تحرک اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها شناخته می‌شود. اهداف عمده نظام آموزش عالی در هر کشوری را می‌توان بر چهار محور تصور کرد: کمک به تحقق هدف‌های اجتماعی از طریق فراهم آوردن برابری در فرصت‌های آموزش عالی؛ برآورد تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی متناسب با ویژگی‌ها، انگیزه‌ها، انتظارات و تحصیلات افراد، پرورش توانایی‌های بالقوه شهروندان و تسهیل فرایند یادگیری مستمر (مادام‌العمر)؛ پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسائل جامعه؛ و پیشبرد مرزهای دانش و تولید دانش نو (دهنوی، ۱۳۸۶).

امروزه همه انسان‌ها در عصری زندگی می‌کنند که تحولات لحظه به لحظه آن در چند سال گذشته، حتی قابل تصور نبوده است. افزایش انتظارات و فشارهای الزامی، انسان‌ها را

و ادار می‌کند که بیشتر بدانند و برای مسائل کلی زندگی، اعم از مشکلات کاری، خانوادگی و سلامت عمومی خود و جامعه، راه حل‌های جدیدی بیابند. در این دنیای امروزی، زنان در مراکز تحقیقاتی و سازمان‌ها و دانشگاه‌ها بیشتر می‌توانند از اطلاعات جدید و روز جهان بهره‌مند شوند و در مورد مسائل مختلف، کسب آگاهی کنند (حمیدیان، ۱۳۸۵).

از طرف دیگر آموزش عالی یکی از محصولات و شاخص‌های رشد و توسعه است که دسترسی به آن موجبات رشد و تسریع فرایند توسعه را فراهم می‌سازد. دستیابی به آموزش عالی و کسب دانش‌ها و مهارت‌ها از عواملی است که امکان برخورداری از قدرت کنترل و تسهیل مشارکت در امر تصمیم‌گیری را در سطوح بالا فراهم می‌سازد. نهاد آموزش عالی در هر کشوری عرصه پرورش نخبگان علمی در حیطه‌های مختلف، رهبران اجتماعی، سیاسی و متخصصان و مدیران آن جامعه است. افزایش تقاضای زنان برای دستیابی به آموزش عالی و رشد میزان حضور آنان در دانشگاه‌ها، از یک سو ناشی از این نگرش درست و واقع‌بینانه و از سوی دیگر موجب طرح مطالبات تازه‌ای برای حضور گسترده و مشارکت بیشتر در سطوح مدیریت و رهبری جامعه است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۰). تحولات اجتماعی به‌ویژه تغییر نقش زنان در جوامع موجب شده که مشارکت آنها در افزایش تقاضای عمومی برای آموزش عالی تأثیر زیادی داشته باشد. الگوی سنتی «مرد تنها نان‌آور خانواده» در حال تغییر است و سهم مستقیم زنان در اقتصاد خانواده بیشتر شده است (محمدی روزبهرانی و طارمی، ۱۳۸۴).

با افزایش تعداد زنان دارای تحصیلات عالی، بازار کار نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جمعیت زنان باشد و در آینده‌ای نزدیک جامعه با بحرانی جدید مواجه خواهد شد: بحران بیکاری زنان جوان تحصیل‌کرده (علمی، ۱۳۸۳). از طرف دیگر یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور میزان اهمیت و اعتباری است که زنان جامعه در زمینه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارا هستند. اشتغال زنان به عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی همواره ارزیابی و سنجش می‌شود و قالبی از برنامه‌ریزی‌های دورنگرایانه کشورهاست (پیشگاهی فرد و پولاب، ۱۳۸۸) و می‌توان گفت که توسعه فرد در زندگی کاری، شغلی، اجتماعی، خصوصی و مسائل فرهنگی همه نتیجه

سرمایه‌گذاری در آموزش است. بنابراین با توجه به شاخص توسعه انسانی که مبنای اندازه‌گیری توانمندسازی انسان است و نقش آموزش‌های تخصصی در تحصیلات تکمیلی در این توانمندسازی باید حداقل جهت رفع نیاز بخش اقتصاد به نیروی انسانی متخصص و کارآمد به حضور دختران در دوره‌های تحصیلات تکمیلی توجه بیشتری شود.

نظریه سرمایه انسانی

این نظریه پایه تحلیل اقتصادی عرضه و تقاضای آموزش عالی محسوب می‌شود و بیانگر این است که خصوصیات کیفی انسان در پرتو آموزش است که می‌تواند توانایی‌های او را توسعه بخشیده و به صورت منبع درآمد‌های بیشتر و یا رضایت خاطر فراوان‌تر در آینده درآید. چنین سرمایه‌ای «انسانی» است؛ چراکه جزئی از اجزای انسان را تشکیل داده، با وی رشد کرده و با مرگ او از میان می‌رود (عمادزاده، ۱۳۸۵). در نظریه سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به عنوان تلاش اساسی انسان برای دستیابی به امنیت اجتماعی و توانگری مطرح است، چون به طور کلی این‌طور فرض شده که آموزش عالی در طول زمان به کسب درآمد اقتصادی بیشتری منجر می‌شود و آموزش عالی در بحث‌های نظریه سرمایه انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد (Hartog & et. al, 2007). از دیدگاه کلان، این نظریه همان‌طور که ویندولف تحلیل می‌کند، می‌تواند قسمتی از نظریه مدرنیسم باشد که فرض می‌شود به طور سریع همزمان با رشد اقتصادی و پیشرفت تکنیکی و نیاز جامعه به نیروی انسانی خبره توسعه پیدا کرده‌اند (قدیمی؛ منوچهری قشقایی و قاسمی، ۱۳۸۷)؛ بنابراین در این دیدگاه رابطه مستقیمی بین بازار و نیاز به نیروی انسانی آموزش‌دیده و گسترش دانشگاه‌ها تصور می‌شود. میزان ثبت‌نام دانشگاه‌ها در دوره‌های رشد اقتصادی افزایش یافته و در مقابل در دوره‌های رکود اقتصادی محدود می‌شود. در تعبیر خرد از نظریه سرمایه انسانی که در طول سیاست‌های جدید آزادی‌خواهانه در کشورهایی مثل انگلیس، امریکا و نیوزیلند توسعه یافت، بر میزان بازگشت خصوصی آموزش عالی به وسیله افراد تأکید خاصی می‌شود. در این نگاه فرض شده که انسان‌ها با هدف منفعت‌طلبی برای آموزش عالی تلاش و وقت صرف کرده و به سرمایه‌گذاری در آن اقدام کنند؛ چراکه

در ادبیات موجود پیشنهاد شده که دسترسی به شغل و درآمدهای فردی با افزایش سال‌های تحصیل افزایش می‌یابد. پایه‌گذاران نظریه سرمایه انسانی بر این باورند که کارفرمایان به عرضه نیروی کار ماهر با افزایش تقاضای آن پاسخ خواهند داد. وقتی در همه چیز برابری حاکم باشد، تحصیل در دوره‌های بالاتر آموزش عالی به دلیل افزایش نرخ بهره‌وری بالا می‌رود؛ ولی شرایط دستیابی به بازار کار برای همه و به‌ویژه زنان یکسان نیست. (قدیمی؛ منوچهری قشقایی و قاسمی، ۱۳۸۷)

نظریه سرمایه انسانی برای این سؤال که چرا در مشاغل مشابه، زنان کمتر از مردان درآمد دارند، هیچ پاسخی ندارد، لذا هرگاه از سرمایه انسانی به عنوان «سرمایه‌گذاری مخاطره‌ای» یاد می‌شود، قابل تأمل است (صالحی، ۱۳۸۳) چراکه بین ایدئولوژی سرمایه انسانی ارائه‌شده در وضعیت کار فعلی و واقعیت‌های روزانه‌ای که فارغ‌التحصیلان در بازار کار با آن روبه‌رو هستند، شکاف وجود دارد. تحقیقات جایورا (۲۰۰۰) در آسیا نشان می‌دهد به‌رغم تلاش نظریه سرمایه انسانی که اولویت خاصی را به آموزش عالی به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی و منابع انسانی می‌دهد، در عمل رابطه خطی مثبتی بین آموزش عالی و توانبخشی به زنان وجود ندارد؛ اما در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی که نرخ اشتغال زنان پایین است، بیشترین درصد زنان شاغل، به زنان با تحصیلات بالا در آموزش عالی اختصاص دارد (OECD, 2000).

پیشینه تحقیق

در زمینه تحصیلات آموزش عالی و اشتغال به طور عام و اشتغال زنان به طور خاص، تحقیقات زیادی صورت گرفته که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌شود:

عنوان تحقیق	نویسنده(گان)	سال	یافته‌های مهم
بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته بهداشت محیط سراسر کشوری سال‌های ۸۲-۷۵	ملکوتیان و پرورش	۱۳۸۲	هرچه مقطع تحصیلی بالاتر رود میزان اشتغال دانش‌آموختگان افزایش می‌یابد. همچنین بیشترین درصد بیکاری دانش‌آموختگان در مقاطع کاردانی و کارشناسی، سهم خانم‌ها و در مقطع کارشناسی ارشد مربوط به آقایان است.
بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها در سال‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵	محمودیان	۱۳۸۲	افزایش تحصیلات نه تنها موجب افزایش سن فعالیت شده، بلکه توانسته زنان را از نظر مهارت‌های شغلی و اجتماعی قوی‌تر سازد.
رابطه آموزش عالی و کارایی و اشتغال دانش‌آموختگان آموزش جنگل	میرزایی و همکاران	۱۳۸۵	بین آموزش عالی و اشتغال در طی دوره رابطه ضعیفی وجود دارد؛ زمینه اشتغال دانش‌آموختگان فراهم نیست یا کم است؛ پذیرش دانشجویان بومی در کارایی و اشتغال مؤثر است؛ ایجاد ضوابط قانونی برای جذب فارغ‌التحصیلان ضروری است؛ به مهارت و دانش در هنگام استخدام، توجه نسبتاً متوسطی می‌شود؛ دانشگاه محل تحصیل در کارایی و اشتغال، تأثیر زیادی دارد؛ و همچنین جنسیت در کارایی تأثیر دارد.
بررسی پیشینه اجتماعی متقاضیان ورود به آموزش عالی در سال ۸۲	دهنوی	۱۳۸۶	تمایل افزایش حقوق باعث می‌شود افراد به مشاغل بالاتر و مهم‌تر تمایل داشته باشند و برای احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر باید در دوره‌های بالاتر آموزش عالی تحصیل کنند.
نقش آموزش عالی در تغییرات اشتغال زنان در شهر اصفهان در سال‌های ۸۵-۱۳۸۰	قاری سید فاطمه	۱۳۸۶	بین میزان انطباق مشاغل زنان با رشته‌های تحصیلی - تخصصی آنها و افزایش مشارکت آنها در آموزش عالی که پست‌های مدیریتی بیشتری را در اختیار آنها قرار می‌دهد، رابطه معناداری وجود داشت.
بررسی مشارکت عرضه نیروی کار در مناطق شهری پاکستان	کوزل و همکاران ^۱	۱۹۹۰	درآمد مورد انتظار، دستمزدها و سطح تحصیلات، اثر مثبتی بر نرخ مشارکت زنان دارد.

عنوان تحقیق	نویسنده(گان)	سال	یافته های مهم
بررسی سن زنان و مشارکت در بازار کار	سلطانا و همکاران	۱۹۹۴	سن زنان، تحصیلات و تعداد افراد تحت تکفل، اثر معنی داری بر مشارکت زنان در بازار کار ندارد و نرخ دستمزد زنان و مردان اثر معنی دار و مثبتی بر این مقوله دارد.
بررسی میزان مشارکت زنان در کشور کانادا	بست ^۱	۱۹۹۴	مشارکت زنان بین سالهای ۹۲-۱۹۹۰ در کانادا در اثر رکود اقتصادی، اندکی کاهش داشته است. کاهش میزان مشارکت زنان جوان تر بیشتر از سایر زنان بوده است. با توجه به اینکه زنان جوان، ۲۰ درصد نیروی کار زنان را در کانادا تشکیل می دهند، کاهش های سریع مشارکت این گروه با رشد ضعیف زنان مسن تر همراه شده و در مجموع باعث افت میزان مشارکت زنان شده است. درحالی که مشارکت زنان زیر ۴۵ سال در سال های اخیر روندی کاهشی داشته است. این میزان برای زنان ۴۵ تا ۵۰ سال افزایش یافته است.
تحلیل ارتباط میان سهم زنان در نیروی کار و توسعه بلندمدت اقتصادی و اصلاحات ساختاری	کاگاتای و اوزلر ^۲	۱۹۹۵	اجرای سیاست های اصلاح ساختاری، با افزایش میزان شهرنشینی و میزان تحصیلات و توسعه اقتصادی و کاهش نرخ باروری، به افزایش سهم زنان در نیروی کار منجر می شد.
بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کویت	آلی و همکارانش ^۳	۱۹۹۶	نرخ دستمزد زنان و تحصیلات، اثر مثبتی بر نرخ مشارکت زنان دارد.
رابطه بین آموزش عالی و توان بخشی زنان	جایاورا ^۴	۲۰۰۰	به رغم تلاش نظریه انسانی که اولویت خاصی به آموزش عالی به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی و منابع انسانی می دهد، در عمل رابطه خطی مثبتی بین آموزش عالی و توان بخشی به زنان وجود ندارد.

1. Basset
2. Catagay and Ozler
3. Ally
4. Jayaweera

عنوان تحقیق	نویسنده(گان)	سال	یافته های مهم
آموزش و اشتغال زنان	اسپرینگ ^۱	۱۹۹۸	متغیر آموزش، عامل بسیار مهمی در افزایش اشتغال زنان است. اگر زنان کار بیشتر را بر فرزند بیشتر ترجیح دهند، سطح تحصیلات خود را ارتقا می دهند، زیرا احتمال پیدا کردن شغل مناسب با افزایش میزان تحصیلات بالا می رود. البته اسپرینگ مطرح می کند که بالاترین سطح تحصیلات در گروه سنی ۱۹- ۱۶ سال منجر به کاهش نرخ مشارکت نیروی کار می شود، ولی پس از بیست سالگی، افزایش سطح تحصیلات با افزایش نرخ مشارکت نیروی کار همراه است.
بررسی عرضه کار زنان و عدم تساوی درآمد زنان و مردان در ایرلند، طی سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴	کالان و همکاران ^۲	۱۹۹۸	نتایج، حکایت از افزایش همبستگی بین درآمد زوجین، در دوره مورد مطالعه دارد. در عین حال، افزایش مشارکت زنان و افزایش میزان دستمزد آنها (بین ۲۰ تا ۵۰ درصد) موجب کاهش تبعیض درآمد میان مردان و زنان در ایرلند شده است. سایر عواملی که باعث کاهش این تبعیض شده، به درآمد زنان بستگی ندارد. علاوه بر این، نتایج نشان می دهد با وجود افزایش سریع میزان مشارکت زنان، درآمدهای آنان در سال ۱۹۹۴ همچنان تنها ۱۵ درصد از کل درآمد خانوار را تشکیل می داده است.
انگیزه ورود به دانشگاه در کشور هلند	کانتون ^۳	۲۰۰۱	سرمایه گذاری بلندمدت به معنی یافتن شغل هایی با درآمد بالا و اطمینان بیشتر، مهم ترین انگیزه برای ورود به دانشگاه است. در این تحقیق آمده که طی ده ساله گذشته، متقاضیان ورود به دانشگاه در هلند، دو برابر شده اند.

1. Sprague
2. Callan & et al
3. Canton

سؤال‌های تحقیق

۱. آیا بین دیدگاه‌های زنان، در مورد تأثیر میزان تحصیلات آموزش عالی بر اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر، بر حسب مقاطع مختلف تحصیلی (میزان تحصیلات)، تفاوت وجود دارد؟
۲. آیا بین دیدگاه‌های زنان، در مورد تأثیر میزان تحصیلات آموزش عالی بر اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر، بر حسب رشته‌های مختلف تحصیلی، تفاوت وجود دارد؟
۳. آیا بین دیدگاه‌های زنان، در مورد تأثیر میزان تحصیلات آموزش عالی بر اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر، بر حسب شاغل بودن یا نبودن، تفاوت وجود دارد؟
۴. آیا بین رشته تحصیلی و وضعیت اشتغال زنان مشارکت‌کننده در تحقیق رابطه وجود دارد؟
۵. آیا بین مقطع یا مدرک تحصیلی و وضعیت اشتغال زنان مشارکت‌کننده در تحقیق رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

با توجه به اینکه محقق در این تحقیق، در صدد است که به بررسی ارتباط میزان تحصیلات آموزش عالی (دانشگاهی) زنان بیست الی پنجاه و پنج ساله شهر اصفهان با اشتغال آنها بپردازد، این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در این تحقیق، جامعه آماری شامل کلیه خانم‌های هجده الی پنجاه و پنج ساله مشغول به تحصیل (در دانشگاه‌ها) و فارغ‌التحصیل شهر اصفهان در مؤسسات آموزشی (دانشگاه‌ها و سازمان آموزش و پرورش) می‌شود. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. با مراجعه به دانشگاه‌های شهر اصفهان و سازمان آموزش و پرورش از بین جامعه آماری تحقیق، پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در بین ۳۰۰ نفر توزیع شد که ۲۶۷ پرسشنامه تکمیل شده و به دست محقق رسید.

ابزار پژوهش

ابزار پژوهش، شامل پرسشنامه محقق ساخته است که شامل دو قسمت می شود: قسمت اول شامل مشخصات دموگرافیک مربوط به ویژگی های نمونه از جمله رشته تحصیلی، وضعیت تحصیلی، مقطع، وضعیت تأهل، سن، وضعیت اشتغال است. قسمت دوم شامل ۸ سؤال ارائه شده در جدول شماره ۱ است که مربوط به ارتباط میزان تحصیلات دانشگاهی با اشتغال زنان و دختران است که پاسخ سؤالات در مقیاس پنج درجه ای لیکرت تنظیم شده است. ضریب پایایی پرسشنامه فوق، مطلوب و برابر با ۰/۹۰ بوده است.

با استفاده از روش های آمار توصیفی و آزمون های تحلیل واریانس و مجذور کای در آمار استنباطی و توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۱۱/۵ تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات جمع آوری شده و استخراج نتایج، انجام شد.

یافته ها

جدول شماره ۲. درصد دیدگاه های پاسخگویان در مورد

ارتباط میزان تحصیلات دانشگاهی با هریک از گویه های مربوط به اشتغال

ردیف	گویه	هیچ ۱	کم ۲	متوسط ۳	زیاد ۴	خیلی زیاد ۵	مجموع زیاد و خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
۱	ارتقای شغلی با توجه به مدرک دانشگاهی	۳/۷	۹/۴	۲۷/۷	۳۱/۵	۲۷/۰	۵/۵۸	۳/۶۹	۱/۰۸
۲	پیدا کردن شغل متناسب با تحصیلات	۲/۶	۹/۰	۳۵/۲	۲۶/۲	۲۶/۶	۵۲/۸	۳/۶۵	۱/۰۵
۳	پیدا کردن شغل با حقوق و مزایای بهتر	۲/۶	۱۲/۷	۳۳/۳	۲۸/۸	۲۱/۷	۵/۵۰	۳/۵۵	۱/۰۵
۴	سرعت در پیدا کردن شغل	۳/۴	۱۲	۳۴/۱	۳۴/۸	۱۵/۴	۲/۵۰	۳/۴۷	۱/۰۰
۵	افزایش گزینه های انتخاب شغل	۳/۰	۱۶/۵	۳۶/۷	۲۹/۶	۱۲/۷	۳/۴۲	۳/۳۳	۱/۰۰
۶	پیدا کردن شغل متناسب با علاقه و روحیه	۲/۲	۲۲/۵	۳۱/۵	۲۳/۲	۱۹/۹	۱/۴۳	۳/۳۶	۱/۱۱
۷	پیدا کردن شغل مناسب در شهر محل زندگی	۲/۲	۲۲/۵	۳۱/۸۵	۲۳/۲	۱۹/۹	۱/۴۳	۳/۳۶	۱/۱۱
۸	ایجاد برابری فرصت های شغلی همتراز با مردان	۳/۷	۱۹/۹	۳۲/۲	۲۸/۱	۱۵/۰	۱/۴۳	۳/۳۱	۱/۰۷

بیشترین درصد نظرات پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد به سؤال اول و دوم (ارتقای شغلی با توجه به مدرک دانشگاهی و پیدا کردن شغل با حقوق و مزایای بهتر) و کمترین درصد نظرات پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد مربوط به سؤال‌های ۶ و ۷ و ۸ با ۴۳/۱ درصد است. همچنین میانگین نمره نظرات پاسخگویان بین ۳/۳۱۰ و ۳/۶۹۰ در نوسان است. (یعنی در کل پاسخگویان به تأثیر میزان تحصیلات آموزش عالی در اشتغال مطلوب‌تر و مناسب‌تر در زنان، نظر متوسط رو به بالا (نظر تقریباً مثبتی) دارند.)

جدول شماره ۲. آزمون معناداری (ANOVA) تفاوت دیدگاه دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان زن ۱۸ الی ۵۵ ساله در زمینه تأثیر میزان تحصیلات آموزش عالی (دانشگاهی) بر اشتغال مطلوب‌تر و مناسب‌تر بر حسب سطح مقطع یا مدرک تحصیلی (گروه‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری)

سطح معناداری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورها	اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر
۰/۶۴۴	۰/۴۴	۰/۳۰	۲	۰/۶۰	بین گروه‌ها
		۰/۶۸	۲۶۴	۱۷۸/۱۶	درون گروه‌ها
			۲۶۶	۱۷۸/۷۶	کل

جدول فوق نشان‌دهنده عدم تفاوت معنادار بین دیدگاه‌های پاسخگویان در زمینه تأثیر میزان تحصیلات دانشگاهی بر اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر بر حسب مقاطع مختلف تحصیلی، (در سطح $P < 0.05$) است.

جدول شماره ۶. آزمون معناداری (ANOVA) تفاوت دیدگاه دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان زن ۱۸ الی ۵۵ ساله در زمینه تأثیر میزان تحصیلات آموزش عالی (دانشگاهی) بر اشتغال مطلوب‌تر و مناسب‌تر بر حسب رشته تحصیلی (علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی و علوم پزشکی)

سطح معناداری (Sig)	F	مجذور میانگین	درجه آزادی (df)	مجموع مجذورها	اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر
۰/۲۵۲	۱/۳۷	۰/۹۱ ۰/۶۶	۳ ۲۶۱ ۲۶۴	۲/۷۳ ۱۷۳/۳۷ ۱۷۶/۱۱	بین گروه‌ها درون گروه‌ها کل

جدول فوق نشان دهنده عدم تفاوت معنادار بین دیدگاه‌های پاسخگویان در زمینه تأثیر میزان تحصیلات دانشگاهی بر اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر بر حسب رشته‌های مختلف تحصیلی، (در سطح $P < 0.05$) است.

جدول شماره ۷. آزمون معناداری رابطه (مقایسه) بین تأثیر میزان تحصیلات دانشگاهی بر اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر بر حسب وضعیت اشتغال پاسخگویان

وضعیت اشتغال	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	df	Sig. (2-tailed)
شاغل	۹۸	۳/۶۶	۰/۷۴	۲/۴۱۵	۲۵۸	۰/۱۶
غیرشاغل	۱۶۲	۳/۳۸	۰/۸۵			

با توجه به نتایج تحلیل آزمون t دو گروه مستقل در سطح معناداری ($P < 0.05$)، می‌توان گفت که در زمینه تأثیر میزان تحصیلات دانشگاهی بر اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر، بین دیدگاه‌های دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بر حسب وضعیت اشتغال، تفاوت وجود دارد. بدین معنی که زنان شاغل نگرش مثبت‌تری نسبت به تأثیر میزان تحصیلات دانشگاهی بر اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر دارند.

جدول شماره ۸. توزیع فراوانی بر حسب وضعیت اشتغال و مقطع یا مدرک تحصیلی زنان شرکت‌کننده در تحقیق

مقطع یا مدرک	وضعیت اشتغال		کل
	شاغل	غیرشاغل	
کارشناسی	۴۰	۹۵	۱۳۵
کارشناسی ارشد	۴۵	۵۵	۱۰۰
دکتری	۱۳	۱۲	۲۵
کل	۹۸	۱۶۲	۲۶۰

در اعداد شاغل و غیرشاغل دقت شود چون در فایل اصلی هم به هم ریخته بود!

جدول شماره ۹. آزمون معناداری (آزمون خی دو) رابطه بین میزان تحصیلات آموزش عالی (دانشگاهی) با اشتغال زنان شرکت کننده در تحقیق

مقدار مجذور کای	درجه آزادی	تعداد	سطح معنی داری
۸/۱۹	۲	۲۶۰	۰/۰۱۷

با توجه به سطح معناداری جدول تحلیل خی دو (در سطح $P < 0.05$)، بین میزان تحصیلات دانشگاهی و وضعیت اشتغال زنان شرکت کننده در تحقیق، رابطه وجود دارد. همان طور که در جداول ۸ و ۹ مشاهده می شود، هرچه میزان تحصیلات دانشگاهی زنان، بالاتر رفته میزان بیکاری تحصیل کردگان زن نیز کمتر شده، به عبارتی می توان گفت، با بالاتر رفتن سطح تحصیلات آموزش عالی و دانشگاهی، میزان اشتغال زنان نیز افزایش یافته و بیشترین بیکاران در بین زنان تحصیل کرده در مقاطع پایین تر است.

جدول شماره ۱۰. توزیع فراوانی بر حسب وضعیت اشتغال و

رشته تحصیلی زنان شرکت کننده در تحقیق (گویا اعداد این جدول اشتباه هست و نیاز به چک دارد)

رشته تحصیلی	وضعیت اشتغال		کل
	شاغل	غیر شاغل	
علوم انسانی	۷۱	۹۶	۱۶۷
علوم پایه	۱۲	۳۴	۴۶
فنی مهندسی	۶	۲۲	۲۸
علوم پزشکی	۹۸	۹	۱۰۷
کل	۹۷	۱۶۱	۲۵۸

جدول شماره ۱۱. آزمون معناداری (آزمون خی دو) رابطه بین رشته تحصیلی

و وضعیت اشتغال زنان شرکت کننده در تحقیق

مقدار مجذور کای	درجه آزادی	تعداد	سطح معنی داری
۸/۰۸	۳	۲۵۸	۰/۰۴۴

با توجه به سطح معناداری جدول شماره ۱۱ تحلیل خی دو (در سطح $P < 0.05$)، بین رشته تحصیلی و وضعیت اشتغال زنان شرکت کننده در تحقیق، رابطه وجود دارد. همان طور که در جدول شماره ۱۰ مشاهده می شود بیشترین شاغلان زن در رشته های علوم انسانی و کمترین شاغلین زن در رشته های فنی مهندسی است.

بحث و نتیجه گیری

این مقاله به بررسی دیدگاه های زنان دارای تحصیلات دانشگاهی شهر اصفهان در مورد تأثیر میزان تحصیلات آموزش عالی بر اشتغال مطلوب تر و مناسب تر برای زنان پرداخته و همچنین ارتباط میزان تحصیلات آموزش عالی (دانشگاهی) و رشته تحصیلی شرکت کنندگان در تحقیق را با اشتغال آنها مورد بررسی قرار داده است. یافته ها نشان می دهد:

زنان شرکت کننده در این تحقیق در مورد تأثیر میزان تحصیلات آموزش عالی در اشتغال مطلوب تر و مناسب تر، در کل نظر تقریباً مثبتی داشته و از بین موارد هشتگانه ذکر شده در حیطه اشتغال مطلوب و مناسب، بیشترین تأثیر میزان تحصیلات عالی را بر ارتقای شغلی با توجه به مدرک دانشگاهی و پیدا کردن شغل با حقوق و مزایای بهتر دانسته اند؛ از سوی دیگر ادعایشان این بوده که تحصیلات بالاتر تأثیر زیادی بر ایجاد برابری فرصت های شغلی همتراز با مردان؛ پیدا کردن شغل متناسب با علاقه و روحیه و پیدا کردن شغل مناسب در شهر محل زندگی ندارد.

دلایلی همانند سطح بالاتر تحصیلات، افزایش مخارج زندگی و تغییر در نگرش عمومی درباره کار زنان، می تواند به افزایش میزان مشارکت زنان در سال های آتی منجر شود. زنان باید تحصیلات بالاتری در آموزش عالی کسب کنند تا بتوانند به موقعیت های شغلی بهتر، با درآمد بالاتر دست یابند (کانتون^۱، ۲۰۰۱؛ کالان و دیگران، ۱۹۹۸ و علاءالدینی و رضوی، ۱۳۸۵).

محدودیت‌های فرهنگی و ساختاری از جمله عوامل عدم تعادل در جذب زنان در بازار کار است. به زنان دارای تحصیلات بالاتر، مشاغلی پایین‌تر از مردان هم‌سطح خود از نظر آموزش واگذار می‌شود و این امر خود سرخوردگی زنان تحصیل‌کرده و ناسازگاری روحیه آنها با شغلشان را موجب می‌شود، تا حدی که منجر به ترک زندگی حرفه‌ای برای برخی از آنها می‌شود.

در زمینه تأثیر میزان تحصیلات دانشگاهی بر اشتغال مناسب‌تر و مطلوب‌تر بین دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان، بر حسب مقاطع مختلف تحصیلی، رشته‌های مختلف تحصیلی و وضعیت تأهل تفاوت معناداری وجود ندارد؛ ولی بر حسب وضعیت اشتغال، تفاوت معنادار وجود دارد؛ به عبارتی نگرش زنان تحصیل‌کرده شاغل به تأثیر میزان تحصیلات آموزش عالی بر اشتغال مطلوب‌تر و مناسب‌تر، مثبت‌تر است. این می‌تواند به دلیل نگرانی و داشتن ابهام نسبت به آینده شغلی در بین زنان تحصیل‌کرد، بیکار باشد که خود جای تأمل و تحلیل بیشتری دارد.

بین رشته تحصیلی و وضعیت اشتغال زنان شرکت‌کننده در تحقیق، رابطه معنادار وجود دارد، به طوری که بیشترین شاغلان زن در رشته‌های علوم انسانی و کمترین شاغلان زن در رشته‌های فنی مهندسی است. نتایج تحقیقات قبلی نیز دال بر تأیید یافته فوق می‌باشد به طوری که نتایج پژوهش برکت (۱۳۸۳) نشان داد که بیشترین درصد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی به ترتیب در گروه‌های: اول - هنر، دوم - پزشکی، سوم - علوم پایه، چهارم - علوم انسانی، پنجم - کشاورزی و ششم - فنی و مهندسی هستند که این انتخاب گروه و رشته تحصیلی خود به عواملی چون تأثیر محیط اجتماعی و فرهنگی زندگی آنها در خانواده و جامعه و نگرش‌هایی که در این رابطه درباره زنان وجود دارد، برمی‌گردد. برای مثال افراد جامعه بیشتر معتقدند زنان در رشته‌های انسانی و هنر موفق‌ترند تا در رشته‌هایی چون مهندسی و فنی و... همچنین در این زمینه دلایل روان‌شناسی و تربیت خانوادگی از دوران کودکی که در شکل‌گیری علاقه و شکوفایی استعداد آنها و گرایش به رشته‌های مختلف تأثیر زیادی دارد، موجود است (قاری، ۱۳۸۶).

بین میزان تحصیلات دانشگاهی زنان شرکت کننده در مطالعه حاضر و وضعیت اشتغال آنها، رابطه معناداری به چشم می خورد؛ به طوری که هرچه میزان تحصیلات دانشگاهی زنان بالاتر رفته، میزان اشتغال تحصیل کردگان زن نیز بالاتر رفته است. این یافته با نتایج تحقیق ملکوتیان و پرورش (۱۳۸۲) که نشان می داد، هرچه مقطع تحصیلی بالاتر رود میزان اشتغال دانش آموختگان افزایش می یابد؛ همسوست. اما با نتایج تحقیق میرزایی، شامخی، نائلی، زاهدی و جزیره ای (۱۳۸۵) همسو نیست؛ چون از نظر آنها، بالاتر رفتن میزان تحصیلات دانشگاهی زنان، الزاماً به معنی افزایش دستیابی آنها به اشتغال نیست.

طبق ادعای مرکز آمار ایران سطح تحصیلی بالاتر یک زن، همان طور که انتظار می رود، منجر به افزایش احتمال مشارکت او می شود، اما دلیلی بر دستیابی وی به شغل نخواهد بود (UNFPA, 2001). محمودیان (۱۳۸۲) نیز معتقد است گاهی تحصیلات بالاتر، موجب عدم مشارکت زنان می شود، چراکه مثلاً زنان تحصیل کرده با مردان تحصیل کرده ازدواج می کنند و از نظر مالی مشکل ندارند. لذا میل به کار، عامل مهمی است و باید گفت که بیکاری زنان تحصیل کرده نیز بیشتر از بیکاری مردان تحصیل کرده است. از علل تناقض داشتن نتایج تحقیق حاضر با برخی تحقیقات در این زمینه شاید بتوان به تأثیر منطقه زندگی افراد و نگرش حاکم بر این منطقه به بحث گزینش زنان تحصیل کرده در مشاغل مختلف و ارج نهادن به تحصیلات عالی زنان اشاره کرد که به نظر می رسد این مسئله جای بررسی بیشتری در آینده خواهد داشت.

البته نتایج تحقیق حاضر مؤید این دیدگاه نیز می تواند باشد که هرچه توزیع درآمد در کشوری بدتر باشد، زنان به ویژه زنان متأهل، مجبورند برای تأمین هزینه خانوار اقدام به فعالیت اقتصادی کنند و از این رو میزان اشتغالشان افزایش می یابد؛ لذا برای یافتن شغل مناسب تر، به طور هم زمان به ادامه تحصیلات بالاتر نیز می پردازند (زرین و همکاران، ۲۰۰۲).

از طرف دیگر می توان اذعان داشت ساختار سنتی اقتصاد ایران نیروی کار متخصصان دانشگاهی را نمی طلبد. اگر چه یک سوم فارغ التحصیلان دانشگاه ها زن هستند، اما سهم زنان در اشتغال بسیار کم است. ارتقای مشارکت زنان با تحصیلات عالی، بازنگری سیاست های

موجود را ضروری می‌سازد (قدیمی و دیگران، ۱۳۸۷)؛ لذا با توجه به درصد بالایی از زنان که در شرایط حاضر به فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه پرداخته و سیل عظیم زنان تحصیل کرده و دانشجویانی که به تدریج فارغ‌التحصیل شده، به بازار کار عرضه می‌شوند و با توجه به تخصص‌های متنوع و ارزنده کار زنان که می‌تواند در رفع نیازهای جامعه و شرکت ماهرانه و متخصصانه در فعالیت‌های اقتصادی، بازده کار را به طور کمی و کیفی ارتقا دهد، باید دید چه راهکارها و ابزارهایی برای بهره‌گیری بیشتر از این نیروی انسانی ماهر وجود دارد و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، بدون آنکه به ارکان خانواده و کیفیت زندگی درونی و مراقبت از کودکان و حفظ جو عاطفی خانواده‌های ایرانی لطمه‌ای جبران‌ناپذیر وارد سازد. در کنار همه این موارد چطور زنان و دختران تحصیل کرده، بتوانند روزبه‌روز بر تخصص، مهارت، توانمندی، آگاهی و تحصیلات خود بپردازند که این خود با توجه به پدیده جهانی شدن، مستلزم برنامه‌ریزی‌های درسی و آموزشی استراتژیک و دقیقی از طرف دست‌اندرکاران اقتصادی و فرهنگی آموزش عالی کشور و انعطاف‌پذیری بخش‌های مختلف استخدامی و اشتغال سراسر جامعه در برابر نیروی عظیم و فوق‌العاده زنان و دختران است و همه اینها در گرو ارتباطات گسترده و مؤثر بخش‌های مختلف جامعه با سیستم آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور خواهد بود.

منابع

- ❖ آراستی، زهرا (۱۳۸۵)، «زنان کارآفرین ایرانی، ساختارهای فرهنگی - اجتماعی مؤثر در ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان، صص ۹۳-۱۱۹.
- ❖ امینی، علیرضا (۱۳۸۳)، «رویکرد جنسیتی به عدم تعادل‌ها بازار کار»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، بهار، صص ۱۴۶-۱۳۳.
- ❖ ایمانی، مصطفی و مریدها، مرتضی (۱۳۸۱)، بررسی پیامدهای افزایش زنان دانشجو، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- ❖ براتعلی، مریم و قلی‌زاده، آذر، (۱۳۸۶)، زنان در آموزش عالی و میزان استفاده بهینه از توانمندی‌های آنها در جامعه، ارائه سخنرانی مقاله در سومین همایش دوسالانه اشتغال و آموزش عالی، جهاد دانشگاهی تربیت مدرس تهران.
- ❖ برکت، نیلوفر (۱۳۸۳)، بررسی روند تحولات آموزش عالی زنان در استان اصفهان (بخش دولتی) در دهه ۷۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- ❖ پیشگاهی فرد زهرا، پولاب ام البین؛ «آینده‌پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران»؛ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)؛ پاییز ۱۳۸۸؛ ۷، ۳ (پیاپی ۲۶)، صص ۸۹-۱۰۶.
- ❖ حمیدیان، محمود (۱۳۸۵)، نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در اقتدار زنان، مجموعه مقالات همایش سراسری زنان و اینترنت در هزاره سوم، تهران: دفتر امور زنان سپاه، صص ۳۰-۱۸.
- ❖ دهنوی، حسنعلی (۱۳۸۶)، «بررسی پیشینه اجتماعی متقاضیان ورود به آموزش عالی در سال ۱۳۸۲»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، زمستان، ۱۰، ۴ (۳۴)، صص ۱۲۳-۹۳.
- ❖ میرزایی، ملااحمد؛ شامخی، تقی؛ نالی، محمدعلی؛ زاهدی، قوام‌الدین و جزیره‌ای، محمدحسین (۱۳۸۵)، «رابطه آموزش عالی و کارایی و اشتغال دانش‌آموختگان: دیدگاه استادان، مدیران و دانش‌آموختگان بررسی موردی آموزش جنگل»، فصلنامه پژوهش و سازندگی در منابع طبیعی، شماره ۷۳، زمستان، صص ۲۶-۱۱.
- ❖ سفیری، خدیجه (۱۳۸۵)، «زنان و تحصیلات دانشگاهی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۵۷-۵۶، صص ۱۲۷-۱۲۱.
- ❖ صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۳)، «تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان ایرانی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره دوم، شماره ۱، صص ۲۲-۵.
- ❖ صالحی، ابراهیم (۱۳۸۳)، «تغییرات بازار کار، توسعه آموزش عالی و سرمایه اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، ج ۱، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

- ❖ علاءالدینی، پویا و رضوی، محمدرضا (۱۳۸۵)، «وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۵۷-۱۳۲.
- ❖ علمی، زهرا (۱۳۸۳)، «سیاست‌های اقتصادی کلان و بازار کار زنان در ایران»، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۳۷-۱۷.
- ❖ قاری، سید فاطمه، فاطمه (۱۳۸۶)، *نقش آموزش عالی در تغییرات اشتغال زنان در شهر اصفهان در سال‌های ۱۵-۱۳۸۱*، پایان‌نامه ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- ❖ قدیمی، اکرم؛ منوچهری قشقایی، آزیتا و قاسمی، مهری (۱۳۸۷)، «وضعیت زنان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و آثار آن بر اشتغال»، *فصلنامه مطالعات زنان*، سال اول، ش ۳، صص ۳۱-۲.
- ❖ محمدی روزبهانی، کیانوش و طارمی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، «عوامل انگیزشی داوطلبان برای ورود به دانشگاه»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، پاییز و زمستان ۸۴، شماره ۳۷ و ۳۸، صص ۱۲۶-۱۰۳.
- ❖ محمودیان، حسین (۱۳۸۲)، «بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها در سال‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۱، صص ۲۱۸-۱۸۹.
- ❖ مرکز آمار ایران (۱۳۸۳)، *آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانواده*، تهران: مرکز آمار ایران.
- ❖ ملکوتیان، محمد و پرورش، عبدالرحیم (۱۳۸۲)، «بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته بهداشت محیط سراسر کشور طی سال‌های ۸۲-۷۵»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان*، جلد ۵، ویژه‌نامه آموزش پزشکی، پاییز و زمستان، صص ۴۰-۳۳.
- ❖ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۰)، *توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی*، معاونت فرهنگی و اجتماعی: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- ❖ Aly, Y. H. and Quisi, I. A., (1996), "Determinants of women labour force participation in Kuwait: A logit analyses", *The Middle East Business and Economic Review*, 8 (2), pp: 1-9.
- ❖ Basset, Peny (1994), "Declining Female Labour Force Participation", *Perspective on Labour and Income*, Vol. 6, No. 2, Summer.
- ❖ Cagatay, N. and S. Ozler (1995), "Feminization of the Labor Force: The Effects of Longterm Development", *World Development*, pp. 11-23.
- ❖ Calan, Tim, B. Nolan, O. Donal and Olive Sweetman (1998), *Female Labour Supply and Income Inequality in Ireland*, www.may.ie/ecedemic/economics/Polf/N790698.
- ❖ Canton, E. and R. Venniker (2001), *Higher Education Reform: Getting The Incentives Right*, CHEPS, Netherland.
- ❖ Del Boca and Aaberge, D. Rolf and Colombino, Ugo and Ermisch, John and Francesconi, Marco and Pasqua, Silvia and Strom, Steinar (2002), *Labour market*

- participation of women and fertility: The effect of social policies*, Available in: www.frdp.org/images/customer/Paper_delboca.pdf, pp: 1-170.
- ❖ Jayaweera, S. (2000), Women, Education and Empowerment in Asia, *Gender and Education*, Vol. 9. No. 4, pp. 411-423.
 - ❖ Kozel, V. and Alderiman, H. (1990), Factors determining work participation and labour supply decisions in Pakistan's Urban Areas, *The Pakistan Development Review*, 29 (1),pp: 1-17.
 - ❖ Hartog Joop and Henrie Tte Maassen Van Den Brink, (2007); *Human Capital Advances in Theory and Evidence*; Cambridge University Press, 2007; Information on This Title: www.Cambridge.org/9780521873161.
 - ❖ Moghadam, Valentine (2002), *Enhancing Woman's Economic Participation in the MENA Region, in Heba Handoussa and Zafiris Tzannatos*, eds., Employment Creation and Social Protection in Middle East and North Africa, Cairo and New York: The American University in Cairo Press.
 - ❖ Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2000), *Human Capital Investment (an International Comparison)*, Centre for Educational Research and Innovation.
 - ❖ Sprague, A., (1998), "Post War Fertility and Female Labour Force Participation Rates", *Economic Journal*, 98.
 - ❖ Statistical Center of Iran and UNFPA, (2001), *Socio – Economic Characteristics of Women in Iran: 1986-1996*, Tehran: Statistical Center of Iran.
 - ❖ Sultana, N. and Nazli, H. and Malik, R., (1994), Determinants of Women Time Allocation in Selected Districts of Rural Pakistan, *The Pakistan Development Review*, 33 (4), pp. 1141-1153.
 - ❖ Zareen, Negvi and Labna, Shahnazl (2002), *How do Women Decide to Work in Pakistan?*, Available in: [www.zareen/zareen/papers/rsp/women's pea paper. rft](http://www.zareen/zareen/papers/rsp/women's%20paper.rft), pp: 1-23.
 - ❖ Zarra Nezhad, Mansoor (1998), "Employment of Women in Iran", *SOAS Economic Digest*, Issue 2, No. 2.